



دانشگاه پیام نور

تاریخ عقاید اقتصادی

(رشته اقتصاد)

دکتر هادی غفاری علی چنگی آشتیانی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار ناشر	سه
پیشگفتار	پانزده
فصل اول: نقش و اهمیت بررسی تاریخ اندیشه‌های اقتصادی	۱
هدف کلی	۱
هدف‌های یادگیری	۱
مقدمه	۱
۱-۱ روش‌های بررسی اندیشه‌های اقتصادی	۴
۲-۱ دیدگاه‌های مختلف در مورد مطالعه تاریخ اندیشه‌های اقتصادی	۴
۳-۱ جایگاه درس تاریخ عقاید اقتصادی در بین سایر دروس رشته اقتصاد	۶
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول	۶
خودآزمایی تشریحی فصل اول	۸
فصل دوم: عقاید اقتصادی در دوران باستان و قرون وسطی	۹
هدف کلی	۹
هدف‌های یادگیری	۹
مقدمه	۹
۱-۲ عقاید اقتصادی در یونان باستان	۱۲
۱-۱-۲ سولون	۱۲
۲-۱-۲ سقراط	۱۳
۳-۱-۲ اندیشه‌های اقتصادی افلاطون	۱۳
۴-۱-۲ اندیشه‌های اقتصادی ارسطو	۱۶
۲-۲ عقاید اقتصادی در روم باستان	۱۸

۲۱	۳-۲ عقاید اقتصادی در قرون وسطی
۲۲	۱-۳-۲ عقاید اقتصادی اسکولاستیک
۲۳	۲-۳-۲ اندیشه‌های اقتصادی جهان اسلام در قرون وسطی
۲۶	۲-۳-۲ وجه تمایز تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی در جهان اسلام
۲۸	۲-۳-۲ نقش و اهمیت بررسی اندیشه‌های اقتصادی متفکران مسلمان
۳۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۳۳	خودآزمایی تشریحی فصل دوم
۳۵	فصل سوم: تفکر اقتصادی مرکانتیلیست‌ها
۳۵	هدف کلی
۳۵	هدف‌های یادگیری
۳۵	مقدمه
۳۶	۱-۳ طلا، نقره و فلزات قیمتی به عنوان منبع اصلی ثروت
۳۷	۲-۳ تأکید بر موازنه مثبت بازرگانی
۴۰	۳-۳ دخالت دولت در اقتصاد
۴۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۴۳	خودآزمایی تشریحی فصل سوم
۴۵	فصل چهارم: اندیشه اقتصادی فیزیوکرات‌ها
۴۵	هدف کلی
۴۵	هدف‌های یادگیری
۴۵	مقدمه
۴۷	۱-۴ پیدایش مکتب فیزیوکراسی (طبیعیون)
۴۸	۲-۴ اصلاح نظام مالیاتی
۴۹	۳-۴ تابلوی/اقتصادی فرانسوا کنه
۵۰	۴-۴ دولت و نقش آن در نظر فیزیوکرات‌ها
۵۱	۵-۴ افول اندیشه فیزیوکرات‌ها
۵۲	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۵۳	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم
۵۵	فصل پنجم: ظهور مکتب کلاسیک
۵۵	هدف کلی
۵۵	هدف‌های یادگیری
۵۶	مقدمه
۵۶	۱-۵ آدام اسمیت
۵۷	۱-۱-۵ نظریه تولید
۵۸	۲-۱-۵ نظریه ارزش مبادله
۵۹	۳-۱-۵ نظریه توزیع ثروت
۶۰	۴-۱-۵ دستمزد

۶۰	۵-۱-۵ سود
۶۱	۵-۱-۶ نظریه رشد اقتصادی
۶۳	۵-۱-۷ اجاره
۶۴	۵-۱-۸ لیبرالیسم اقتصادی اسمیت و نقش دولت در اقتصاد
۶۴	۵-۱-۹ حیطه دخالت دولت
۶۸	۵-۲ ژان باتیست سه
۷۰	۵-۲-۱ مکانیزم نرخ بهره و قانون سه
۷۲	۵-۳ توماس رابرت مالتوس
۷۶	۵-۴ دیوید ریکاردو
۷۷	۵-۴-۱ نظریه بهره مالکانه ریکاردو
۷۸	۵-۴-۲ نظریه ارزش کار ریکاردو
۸۰	۵-۴-۳ نظریه توزیع درآمد ریکاردو
۸۳	۵-۴-۴ نظریه بازرگانی بین‌المللی ریکاردو
۸۴	۵-۵ جان استوارت میل
۸۸	۵-۵-۱ نرخ نزولی سود
۸۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۹۲	خودآزمایی تشریحی فصل پنجم
۹۳	فصل ششم: افکار اقتصادی ملی‌گرایی
۹۳	هدف کلی
۹۳	هدف‌های یادگیری
۹۳	مقدمه
۹۴	۶-۱ ملی‌گرایی و سیاست حمایتی در آلمان
۹۴	۶-۱-۱ فردریک لیست
۹۵	۶-۱-۲ ملت و دکتترین اقتصاد ملی از نظر لیست
۹۵	۶-۱-۳ مراحل پیشرفت و توسعه از نظر لیست
۹۶	۶-۱-۴ سیستم حمایت از صنایع داخلی در دیدگاه لیست
۹۷	۶-۱-۵ وظایف و حیطه دخالت دولت از نظر لیست
۹۸	۶-۲ ملی‌گرایی و سیاست حمایتی در آمریکا
۹۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۰۱	خودآزمایی تشریحی فصل ششم
۱۰۳	فصل هفتم: مکتب سوسیالیسم
۱۰۳	هدف کلی
۱۰۳	هدف‌های یادگیری
۱۰۴	مقدمه
۱۰۵	۷-۱ اصول سوسیالیسم
۱۰۶	۷-۲ سوسیالیسم ایدئالیست (تخیلی)

۱۰۶	۱-۲-۷ سن سیمون
۱۱۱	۲-۲-۷ سیسموندی
۱۱۶	۳-۲-۷ رابرت آون
۱۱۸	۴-۲-۷ شارل فوریه
۱۲۰	۳-۷ سوسیالیسم دولتی
۱۲۰	۱-۳-۷ رودبرتوس
۱۲۲	۲-۳-۷ لوئی بلان
۱۲۵	۳-۳-۷ فردیناند لاسال
۱۲۷	۴-۷ سوسیالیسم آنارشسیسم گرا
۱۲۷	۱-۴-۷ پرودون
۱۳۱	۲-۴-۷ باکونین
۱۳۳	۵-۷ تأثیر اندیشه‌های سوسیالیست‌های نخستین بر مارکسیسم
۱۳۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۱۳۷	خودآزمایی تشریحی فصل هفتم
۱۳۹	فصل هشتم: مکتب تاریخی
۱۳۹	هدف کلی
۱۳۹	هدف‌های یادگیری
۱۴۰	مقدمه
۱۴۳	۱-۸ مکتب تاریخی متقدم
۱۴۳	۱-۱-۸ ویلهلم روشر
۱۴۴	۲-۱-۸ برونو هیلد براند
۱۴۵	۳-۱-۸ کارل کنیس
۱۴۵	۴-۱-۸ انتقادات عمده مکتب تاریخی قدیم به مبانی کلاسیک‌ها
۱۴۶	۲-۸ مکتب تاریخی متأخر
۱۴۷	۱-۲-۸ گوستاو اشمولر
۱۴۸	۲-۲-۸ ورنر سومبارت
۱۵۰	۳-۲-۸ ماکس وبر
۱۵۲	۴-۲-۸ والت ویتمن روستو
۱۵۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم
۱۵۷	خودآزمایی تشریحی فصل هشتم
۱۵۹	فصل نهم: سوسیالیسم علمی
۱۵۹	هدف کلی
۱۵۹	هدف‌های یادگیری
۱۶۰	مقدمه
۱۶۱	۱-۹ کارل مارکس
۱۶۲	۲-۹ مبانی مارکسیسم

۱۶۲	۱-۲-۹ فلسفه کلاسیک آلمان.....
۱۶۳	۲-۲-۹ اقتصاد کلاسیک انگلستان.....
۱۶۴	۳-۲-۹ سوسیالیسم تخیلی (ایدئالیست).....
۱۶۴	۴-۲-۹ اکتشافات علمی.....
۱۶۴	۳-۹ ماتریالیسم دیالکتیک.....
۱۶۵	۴-۹ ماتریالیسم تاریخی.....
۱۶۶	۵-۹ مبارزه طبقاتی.....
۱۶۸	۶-۹ قانون تراکم سرمایه.....
۱۷۱	۷-۹ نظریه جریان کالا.....
۱۷۱	۸-۹ نظریه گرایش به کاهش نرخ سود.....
۱۷۵	۹-۹ نظریه ارزش کار، ارزش اضافی و نظریه استثمار.....
۱۷۶	۱۰-۹ توزیع درآمد.....
۱۷۸	۱۱-۹ فردریک انگلس.....
۱۷۹	۱۲-۹ ولادیمیر لنین.....
۱۷۹	۱-۱۲-۹ جغرافیای انقلاب و نظریه امپریالیسم.....
۱۸۰	۲-۱۲-۹ استراتژی انقلاب.....
۱۸۱	۳-۱۲-۹ نظریه اقتصادی سوسیالیسم.....
۱۸۱	۱۳-۹ ژوزف استالین.....
۱۸۳	۱۴-۹ ارزیابی انتقادی نظرات مارکس.....
۱۸۳	۱-۱۴-۹ مارکسیسم در عمل.....
۱۸۳	۲-۱۴-۹ ماتریالیسم تاریخی.....
۱۸۳	۳-۱۴-۹ تغییر مبانی سرمایه‌داری.....
۱۸۴	۴-۱۴-۹ نقش نهادها.....
۱۸۴	۵-۱۴-۹ بحران‌های اقتصادی.....
۱۸۴	۶-۱۴-۹ قانون تمرکز سرمایه.....
۱۸۵	۷-۱۴-۹ فقر فزاینده.....
۱۸۵	۸-۱۴-۹ وجود طبقه متوسط.....
۱۸۵	۹-۱۴-۹ ارزش کار.....
۱۸۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم.....
۱۸۸	خودآزمایی تشریحی فصل نهم.....
۱۹۱	فصل دهم: مکتب نئوکلاسیک.....
۱۹۱	هدف کلی.....
۱۹۱	هدف‌های یادگیری.....
۱۹۲	مقدمه.....
۱۹۲	۱-۱۰ مهم‌ترین آراء و عقاید نئوکلاسیک‌ها (مارژینالیست‌ها یا نهایی‌گرایان).....
۱۹۵	۲-۱۰ مهم‌ترین اندیشمندان مکتب نئوکلاسیک‌ها.....

۱۹۵	۱-۲-۱۰ لئون والراس
۱۹۶	۱-۲-۱۰ نظریه تعادل عمومی والراس
۱۹۸	۲-۱-۲-۱۰ قضیه حداکثر مطلوبیت کالاها
۱۹۹	۲-۲-۱۰ ویلیام جونز
۲۰۰	۱-۲-۲-۱۰ میزان رضایت خاطر مصرف‌کننده
۲۰۱	۲-۲-۲-۱۰ نظریه ریاضی ارزش
۲۰۲	۳-۲-۲-۱۰ نظریه کار
۲۰۳	۳-۲-۱۰ کارل منگر
۲۰۴	۴-۲-۱۰ آلفرد مارشال
۲۰۵	۱-۴-۲-۱۰ استخراج منحنی عرضه مارشالی
۲۰۸	۵-۲-۱۰ فرانسویس اجورث
۲۰۹	۱-۵-۲-۱۰ جعبه اجورث
۲۱۲	۶-۲-۱۰ آرتور پیگو
۲۱۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دهم
۲۱۵	خودآزمایی تشریحی فصل دهم
۲۱۷	فصل یازدهم: مکتب کینزی
۲۱۷	هدف کلی
۲۱۷	هدف‌های یادگیری
۲۱۷	مقدمه
۲۱۹	۱-۱۱ مصرف
۲۲۱	۱-۱۱-۱ توابع مصرف و پس‌انداز کینز
۲۲۲	۲-۱۱ سرمایه‌گذاری
۲۲۴	۳-۱۱ نظریه کینز در تقاضا برای پول
۲۲۷	۴-۱۱ تله نقدینگی
۲۲۹	۵-۱۱ کینز و بیکاری غیرارادی
۲۳۰	۶-۱۱ کینز و نقد نظریات نئوکلاسیک
۲۳۲	۱-۶-۱۱ برخی عقاید مکتب کینزی
۲۳۴	۲-۶-۱۱ مکتب کینزی و راهکارهای حل مشکل بحران
۲۳۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل یازدهم
۲۴۰	خودآزمایی تشریحی فصل یازدهم
۲۴۳	فصل دوازدهم: عقاید اقتصادی پس از کینز
۲۴۳	هدف کلی
۲۴۳	هدف‌های یادگیری
۲۴۳	مقدمه
۲۴۴	۱-۱۲ الگوی هارود
۲۴۶	۱-۱-۱۲ تعادل و عدم تعادل

۲۴۸	۲-۱۲ الگوی کالدور
۲۵۲	۳-۱۲ جون رابینسون
۲۵۳	۱-۳-۱۲ مدل رابینسون
۲۵۳	۲-۳-۱۲ فرضیات مدل
۲۵۵	۳-۳-۱۲ عصر طلایی
۲۶۰	۴-۳-۱۲ تعادل بازار تحت رقابت ناقص (رقابت انحصاری)
۲۶۲	۴-۱۲ جان ریچارد هیکس
۲۶۵	۵-۱۲ پل ساموئلسن
۲۶۸	۱-۵-۱۲ ترکیب انگیزه‌های پولی و مالی
۲۷۱	۶-۱۲ رابرت سولو
۲۷۴	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوازدهم
۲۷۷	خودآزمایی تشریحی فصل دوازدهم
۲۷۹	فصل سیزدهم: نئوکلاسیک پولی و برخی جریان‌های فکری نو
۲۷۹	هدف کلی
۲۷۹	هدف‌های یادگیری
۲۸۰	مقدمه
۲۸۱	۱-۱۳ فریدمن و مکتب پولیون (شیکاگو)
۲۸۲	۲-۱۳ فریدمن و نظریه تقاضای پول
۲۸۷	۱-۲-۱۳ نظریه پولی فریدمن
۲۹۲	۳-۱۳ مکتب انتظارات عقلانی
۲۹۴	۴-۱۳ مکتب کلاسیک‌های جدید
۲۹۸	۵-۱۳ مکتب کینزی‌های جدید
۳۰۲	۶-۱۳ جریان‌های فکری حال حاضر در قیاس با یکدیگر
۳۰۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سیزدهم
۳۰۶	خودآزمایی تشریحی فصل سیزدهم
۳۰۷	فصل چهاردهم: مکتب نهادگرایی
۳۰۷	هدف کلی
۳۰۷	هدف‌های یادگیری
۳۰۷	مقدمه
۳۰۸	۱-۱۴ رویکرد دوباره به نهادگرایی
۳۰۹	۲-۱۴ خاستگاه مکتب نهادگرایی
۳۱۰	۳-۱۴ تعریف نهاد از دیدگاه نهادگرایان
۳۱۱	۴-۱۴ نهادگرایی قدیم و جدید
۳۱۲	۵-۱۴ مبانی فکری مکتب نهادگرایی
۳۱۴	۶-۱۴ روش‌شناسی نهادگرا
۳۱۶	۷-۱۴ رویکرد نهادگرایان به مسائل اساسی اقتصاد

۳۱۶	۱-۷-۱۴ نگرش نهادگرایی به دولت و نقش آن
۳۱۷	۲-۷-۱۴ نگرش نهادگرایان به بنگاه اقتصادی
۳۱۷	۳-۷-۱۴ نگرش نهادگرایی به حقوق مالکیت
۳۱۷	۴-۷-۱۴ نگرش نهادگرایی به ایدئولوژی
۳۱۸	۵-۷-۱۴ نگرش نهادگرایان به هزینه‌های مبادلاتی و مخاطرات تولید و تجارت
۳۱۹	۶-۷-۱۴ نگرش نهادگرایی به توسعه اقتصادی
۳۲۰	۷-۷-۱۴ نگرش نهادگرایان به مقررات و قوانین اقتصادی
۳۲۱	۸-۱۴ اندیشه‌های نهادگرایان بزرگ
۳۲۱	۱-۸-۱۴ تورستین ویلن
۳۲۲	۲-۸-۱۴ جان راجر کامونز
۳۲۳	۳-۸-۱۴ جان کنت گالبرایت
۳۲۳	۴-۸-۱۴ داگلاس نورث
۳۲۴	۵-۸-۱۴ رونالد کوز
۳۲۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهاردهم
۳۲۶	خودآزمایی تشریحی فصل چهاردهم
۳۲۷	فصل پانزدهم: برخی نظریه‌های جدید و برندگان جایزه نوبل اقتصاد
۳۲۷	هدف کلی
۳۲۷	هدف‌های یادگیری
۳۲۷	مقدمه
۳۲۸	۱-۱۵ یان تین برگن و راگنار فریش
۳۲۸	۲-۱۵ پل ساموئلسن
۳۲۹	۳-۱۵ سیمون کوزنتس
۳۲۹	۴-۱۵ جان هیکس و کنت آرو
۳۲۹	۵-۱۵ واسیلی لئون تیف
۳۳۰	۶-۱۵ گونار میردال و فردریش فون هایک
۳۳۰	۷-۱۵ لئونید کانتروویچ و جالینگ کوپمنز
۳۳۱	۸-۱۵ میلتون فریدمن
۳۳۱	۹-۱۵ جیمز ادوارد مید و برتیل اوهلین
۳۳۲	۱۰-۱۵ هربرت سایمون
۳۳۲	۱۱-۱۵ تئودور شولتز و سر آرتور لوئیس
۳۳۲	۱۲-۱۵ لورنس کلاین
۳۳۳	۱۳-۱۵ جیمز توین
۳۳۳	۱۴-۱۵ جورج استیگلز
۳۳۳	۱۵-۱۵ جرارد دبرو
۳۳۴	۱۶-۱۵ ریچارد استون
۳۳۴	۱۷-۱۵ فرانکو مودیگلیانی

۳۳۴	 ۱۸-۱۵ جیمز بوکانان
۳۳۵	 ۱۹-۱۵ رابرت سولو
۳۳۵	 ۲۰-۱۵ موریس آلیس
۳۳۶	 ۲۱-۱۵ تریگو هاوالمو
۳۳۶	 ۲۲-۱۵ هری مارکویتز، مرتون میلر و ویلیام شارپ
۳۳۷	 ۲۳-۱۵ رونالد کوز
۳۳۷	 ۲۴-۱۵ گری بکر
۳۳۸	 ۲۵-۱۵ رابرت فوگل و داگلاس نورث
۳۳۸	 ۲۶-۱۵ جان هارسانی، جان نش و رینهارد سلتن
۳۳۹	 ۲۷-۱۵ رابرت لوکاس
۳۴۰	 ۲۸-۱۵ جیمز الکساندر میرلیس و ویلیام ویکری
۳۴۱	 ۲۹-۱۵ رابرت مرتون و مایرون اسکولز
۳۴۱	 ۳۰-۱۵ آمارتیا سن
۳۴۲	 ۳۱-۱۵ رابرت الکساندر ماندل
۳۴۳	 ۳۲-۱۵ جیمز هکمن و دانیل مک فیدن
۳۴۴	 ۳۳-۱۵ جورج آکرف، مایکل اسپنس و جوزف استیگلیتز
۳۴۵	 ۳۴-۱۵ دانیل کانمن و ورنون اسمیت
۳۴۵	 ۳۵-۱۵ رابرت انگل و کلايو گرانجر
۳۴۶	 ۳۶-۱۵ فین کیدلند و ادوارد پرسکات
۳۴۷	 ۳۷-۱۵ توماس شلینگ و رابرت اومان
۳۴۷	 ۳۸-۱۵ ادموند فلیس
۳۴۸	 ۳۹-۱۵ لئونید هارویکز، اریک ماسکین و راجر مایرسون
۳۴۸	 ۴۰-۱۵ پل کروگمن
۳۴۹	 ۴۱-۱۵ الینور استروم و الیور ویلیامسون
۳۵۰	 ۴۲-۱۵ پیتر دیاموند، دیل مورتسن و کریستوفر پیزاایدیس
۳۵۰	 ۴۳-۱۵ توماس سارجنت و کریستوفر سیمس
۳۵۲	 ۴۴-۱۵ الوین روث و لوید شیلی
۳۵۳	 ۴۵-۱۵ یوجین فاما، لارس پیتر هانسن و رابرت شیلر
۳۵۴	 ۴۶-۱۵ ژان تیرول
۳۵۵	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پانزدهم
۳۵۷	 خودآزمایی تشریحی فصل پانزدهم
۳۵۹	 پاسخ خودآزمایی چهارگزینه‌ای
۳۶۱	 منابع
۳۶۵	 منابع برای مطالعات بیشتر

پیشگفتار

کتابی که پیش رو دارید، حاصل سالیان متمادی تجربه، تحقیق، مطالعه و تدریس درس تاریخ عقاید اقتصادی در دانشگاه پیام نور است. این کتاب به‌طور خاص، ویژه دانشجویان رشته اقتصاد دانشگاه پیام نور طراحی شده است اما برای دانشجویان علاقه‌مند به این مباحث در دوره‌های دیگر نیز مفید خواهد بود.

شایان ذکر است که به‌کارگیری شیوه آموزش از راه دور در رشته‌های علوم انسانی، گرچه ممکن است در ابتدای امر، کاری آسان و خالی از اشکال به نظر برسد، اما در دروس رشته اقتصاد که تاریخ عقاید اقتصادی یکی از دروس آن را تشکیل می‌دهد وضعیت بدین منوال نیست. از این رو تهیه متنی که دانشجو خود قادر به یادگیری آن باشد، جای تأمل دارد. با وجود این مؤلفان کوشیده‌اند تا سرحد امکان مطالب را با بیانی ساده و شیوا که درخور فهم دانشجویان باشد در دسترس آنان قرار دهند.

در تألیف این کتاب علاوه بر اینکه تلاش شده از منابع اولیه تاریخ عقاید اقتصادی استفاده شود توجه به مباحث جدید فراموش نشده و به‌فراخور نیاز، مباحث روز اقتصاد گنجانیده شده است.

این کتاب در پانزده فصل طراحی شده و در نوع خود از نظر پوشش مباحث تاریخ عقاید اقتصادی، درخور توجه است. هدف اصلی این کتاب آشنایی دانشجویان مقطع کارشناسی رشته اقتصاد با تاریخ تحولات اندیشه‌های اقتصادی از آغاز تاکنون است. در تقسیم‌بندی فصول کتاب، ضمن حفظ ارتباط مباحث، از کامل بودن مطالب غافل نبودیم و مطالب مورد نیاز دانشجویان به بهانه حجم زیاد کتاب حذف نشده است.

فصل اول کتاب به نقش و اهمیت بررسی تاریخ اندیشه‌های اقتصادی اختصاص داده شده است. عقاید اقتصادی در دوران باستان و قرون وسطی، فصل دوم کتاب را شامل می‌شود. تفکر مرکانتیلیست‌ها، اندیشه‌های اقتصادی فیزیوکرات‌ها و ظهور مکتب کلاسیک به ترتیب فصول سوم، چهارم و پنجم کتاب را دربر می‌گیرند. در فصل ششم کتاب حاضر به تبیین افکار اقتصادی ملی‌گرایی (ناسیونالیسم اقتصادی) پرداخته‌ایم و مکتب سوسیالیسم در فصل هفتم بررسی شده است. در فصل هشتم، مکتب تاریخی و در فصل نهم، سوسیالیسم علمی (مارکسیسم) بحث و بررسی شده است. مکتب نئوکلاسیک یا مارژینالیسم را در فصل دهم و پس از آن مکتب کینز را در فصل یازدهم مطرح خواهیم کرد. در فصل دوازدهم عقاید اقتصادی پس از کینز و در فصل سیزدهم نئوکلاسیک پولی و برخی جریان‌های فکری نوین ارائه شده‌اند. فصل چهاردهم به مکتب نهادگرایی اختصاص دارد. پایان‌بخش کتاب حاضر فصل پانزدهم است که در آن به تشریح برندگان جایزه نوبل اقتصاد از ابتدا تاکنون می‌پردازیم و ضمن برشمردن تاریخچه مختصر زندگی ایشان، به اندیشه‌های نوین آن‌ها در مرزهای دانش اقتصاد اشاره‌ای اجمالی می‌کنیم.

شایان ذکر است که منابع تاریخ اندیشه‌های اقتصادی متعدد و متنوع نیست. باوجوداین، اهتمام بر آن بوده است که همه منابع موجود در این زمینه مطالعه و استفاده شود، به‌ویژه از اثر ارزشمند استاد ارجمند جناب آقای دکتر فریدون تفضلی بسیار بهره برده‌ایم که جا دارد در اینجا از ایشان تقدیر و تشکر کنیم.

طراحی کتاب به‌گونه‌ای است که توالی فصل‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، لذا توصیه می‌شود قبل از مطالعه فصل‌های اولیه از مطالعه سایر فصول خودداری شود. از آنجاکه هیچ اثری خالی از اشکال نیست از اساتید محترم و صاحب‌نظران انتظار داریم، نواقص و نارسایی‌های این اثر را با راهنمایی‌های عالمانه خویش تذکر داده و مؤلفان را مرهون عنایات و الطاف خویش سازند.

هادی غفاری – علی چنگی آشتیانی

فصل اول

نقش و اهمیت بررسی تاریخ اندیشه‌های اقتصادی

هدف کلی

هدف کلی از مطالعه این فصل آن است که دانشجویان چگونگی شکل‌گیری اندیشه‌های اقتصادی را فراگیرند و با نقش و اهمیت شکل‌گیری اندیشه‌های اقتصادی و تفکرات اصلی مکاتب گوناگون اقتصادی آشنا شوند.

هدف‌های یادگیری

دانشجویان پس از مطالعه این فصل قادر خواهند بود:

۱. اهمیت و نقش مطالعه اندیشه‌های اقتصادی را در طول تاریخ بیان کنند.
۲. اهداف اصلی از مطالعه درس تاریخ عقاید اقتصادی را توضیح دهند.
۳. روش‌های گوناگون بررسی اندیشه‌های اقتصادی را بشناسند.
۴. دیدگاه‌های مختلف در مورد مطالعه تاریخ اندیشه‌های اقتصادی را شناسایی کنند.
۵. جایگاه درس تاریخ عقاید اقتصادی را بین سایر دروس رشته اقتصاد دریابند.

مقدمه

تدوین سیر اندیشه حاکم بر علم اقتصاد، بررسی تحولات مربوط به این اندیشه، مقایسه تفکرات مکاتب گوناگون اقتصادی و ارزیابی روند تکاملی آن در دستیابی به جایگاه معاصر و قضاوت در مورد تفکرات امروزی، امری کارساز و راهگشاست.

یکی از کارکردهای دوره‌های درسی تاریخ تفکر اقتصادی وسعت بخشیدن به اندیشه دانشجویان است. به قول جان مینارد کینز: «درک پیشرفت‌های معاصر بدون آگاهی از نحوه آن پیشرفت‌ها دشوار است». دانشجویان و محققان باید با نظریه‌ها و اندیشه‌های اقتصاددانان گذشته آشنا شوند. نقش دیگر دوره درسی تاریخ اندیشه اقتصادی آموزش غنای یک نظریه فراتر از صورت‌بندی آن به دانشجویان است که هم‌زمان آموزش داده می‌شود.

آگاهی از تاریخ اندیشه اقتصادی برای درک آنچه در جهان معاصر جریان دارد و نیز برای گفت‌و شنود هوشمندانه درباره موضوع‌های اقتصادی سودمند است. اگرچه تاریخ علوم طبیعی برای درک فیزیک و زیست‌شناسی معاصر ضروری نیست، این امر در مورد اقتصاد مصداق ندارد. نهادها و اندیشه‌های معاصر با میراث گذشته آمیخته شده است. اطلاع از سرچشمه عقاید مختلف و تحولات این عقاید طی زمان، و نیز تأثیر آن‌ها به‌طور ذاتی در بسط موضوع و به‌طور عارضی در تفکر عمومی درباره جامعه چه بوده و این تفکرات چگونه دگرگون شده‌اند، همه اینها برای کسی حائز اهمیت است که به‌جای دیدگاهی ساده‌لوحانه میل دارد بینشی پیشرفته و موشکافانه داشته باشد (رابینز، ۱۳۸۴: ۲۰).

تاریخ اندیشه اقتصادی در واقع تحلیل سیر تکاملی تفکرات اقتصادی از ابتدای تمدن انسانی تاکنون است. بررسی مقطع تاریخی پیدایش و تدوین تفکر اقتصادی، لوازم جامعه‌شناختی و مبانی فلسفی آن تفکر، انسجام علمی و نظری آن، کاربرد عملی و سیاست‌گذاری آن، ارزیابی صعود یا افول علمی یا عملی آن و ریشه‌یابی روند تکاملی موفقیت یا عدم موفقیت آن همگی در حوزه این درس و کتاب است. بررسی تاریخ اندیشه اقتصادی در شناخت دقیق نظریه‌ها می‌تواند مؤثر باشد و همچنین می‌تواند ابزاری برای مقایسه کارآمدی و ناکارآمدی تفکرات و مکاتب باشد و با توجه به تبیین ارتباط فلسفی تفکرات با الگوهای عملیاتی و کارکردی، می‌تواند خط سیری را ترسیم کند که از نوعی انسجام و پیوستگی در فکر و عمل برخوردار باشد. بنابراین، تحلیل درست تاریخ عقاید اقتصادی، به خواننده در مورد مکاتب، نظام‌ها، روش‌ها، معیارها، نظریه‌ها و عملکردهای اقتصادی، دید روشن می‌دهد و او را به ابزار قضاوت و داوری علمی مجهز می‌کند (دادگر، ۱۳۸۳: ۳۰).

علم اقتصاد، در اواخر قرن هجده میلادی تدوین شده است اما بحث‌های

اقتصادی، اندیشه و تفکر اقتصادی به ابتدای تاریخ و تمدن بشری برمی‌گردد. زیرا اقتصاد به قول آلفرد مارشال در واقع مطالعه رفتار نوع بشر در امور معمولی کسب‌وکار روزانه است (مارشال، ۱۹۶۲: ۱). به بیان دیگر، بررسی تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، عصاره و چکیده تفکرات مکاتب و صاحب‌نظران اقتصادی در مورد عقاید انسان و رفتار وی نسبت به امور تولید، توزیع و مصرف و سایر فعالیت‌های روزمره اقتصادی اوست.

ذخایر فکری بشر و انباشت تجارب ارزشمند وی در زمینه اقتصاد، با یکی از زیرشاخه‌های علم اقتصاد، یعنی تاریخ عقاید اقتصادی، به بشر امروزی منتقل می‌شود. اصولاً پرداختن به تاریخ و اندیشه هر علم و معرفتی بسیار مهم است. به قول آگوست کنت: «حتی اگر بخواهیم مبانی و فلسفه هر علم (اقتصاد یا غیر آن) را بررسی کنیم، بدون توجه به تاریخ آن ممکن نیست»، و به قول پروفیسور ای.اچ.کار، تاریخ‌شناس و نظریه‌پرداز معروف: «تاریخ، در واقع یک دیالوگ بی‌انتهای بین حال و گذشته است». به قول مارکس: «تاریخ، اقتصاد در حال عمل است». با فرض قبول بخشی از اندیشه مارکس، بررسی تاریخ عقاید اقتصادی، در واقع، ارزیابی پشتوانه‌های نظری مربوط به گوشه‌ای از زندگی جوامع است. یعنی در پس بسیاری از تحرکات سیاسی، اجتماعی و حتی حقوقی و فرهنگی، یک اندیشه اقتصادی کارساز می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. به هر حال، درک و توضیح تاریخ عقاید اقتصادی، افزون بر یافته‌های نظری، درس‌های سیاست‌گذاری فراوانی را به محققان و دولتمردان می‌آموزد (همان: ۲۷).

از مجموع آنچه ذکر شد می‌توان اهمیت تدریس تاریخ عقاید اقتصادی در دانشگاه‌ها را با در نظر گرفتن اهداف ذیل درک کرد (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱):

۱. با تحول و تکامل نظریه‌های اقتصادی در بستر تاریخ آشنا می‌شویم و در نتیجه درک جامع‌تر و مرتبط‌تری از این نظریه‌ها با مقایسه تحول آن‌ها در گذشته و حال به دست می‌آوریم.

۲. اندیشه‌های اقتصادی در دوره‌های تاریخ بشری منعکس‌کننده شرایط اجتماعی و سیاسی و ساخت‌های جوامع در آن دوره‌هاست و بدین ترتیب تاریخ عقاید اقتصادی به فهم بهتر رابطه بین نظریه‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و مسائل مبتلابه آن‌ها کمک می‌کند و از این نظر ارتباط بین علم اقتصاد و سایر علوم اجتماعی مشخص می‌شود.

۳. با زندگی و فعالیت‌های علمی اندیشمندان اقتصاد و متفکران بزرگ جهان آشنا

می‌شویم که در طول تاریخ با کشف قوانین علمی و طرح دکترین‌های اقتصادی به علم اقتصاد خدمت کرده‌اند.

درک فراگیر یک مکتب و نظام فکری مستلزم آگاهی و شناخت کامل زمینه‌های بروز و ظهور آن نظام و مکتب است و بدون این آگاهی ادراک کامل و جامعی فراهم نخواهد شد. بررسی سیر تحول اندیشه‌ها در بستر تاریخ ضمن تبیین عقاید و نظریه‌های متفاوت به واکاوی زوایای پیدا و پنهان در نحوه شکل‌گیری مکاتب، سیستم‌ها و نظام‌های اجتماعی و اقتصادی می‌انجامد.

۱-۱ روش‌های بررسی اندیشه‌های اقتصادی

اندیشه اقتصادی از دو دیدگاه اثباتی و تجویزی (دستوری یا هنجاری) تبیین می‌شود: در اقتصاد اثباتی، به تبیین و تفسیر واقعیت اقتصادی آن‌گونه که وجود دارد، پرداخته می‌شود. همچنین روابط میان متغیرهای اقتصادی مانند رابطه بین دو متغیر نقدینگی و تورم یا بین متغیرهای کسری بودجه و تورم، قوانین عرضه و تقاضا و ... توضیح داده می‌شود. اقتصاد اثباتی وارد مباحث ارزشی، بایدها و نبایدهای اقتصادی نمی‌شود.

دومین نوع بررسی اقتصادی، نگاه به اقتصاد از دیدگاه تجویزی (دستوری یا هنجاری) است. از این دیدگاه به بایدها و نبایدها توجه می‌کنیم و بحث ارزش‌ها و اخلاق به میان می‌آید. مثلاً بحث ضرورت دخالت دولت در اقتصاد یا پرداخت یارانه و تعدیل قیمت‌ها و ... از جمله موارد اقتصاد دستوری است.

به دیگر سخن، اندیشه اقتصادی متفکران، به واکنش این دسته از متفکران به چالش‌ها و موضوع‌های اساسی اقتصادی زمان‌های خود اشاره دارد. این واکنش‌ها به دو صورت ذیل انجام می‌شود:

- تبیین و تحلیل روابط میان متغیرهای اقتصادی. به عبارت دیگر این دسته از متفکران، نگاه اثباتی به واقعیت‌های اقتصادی داشتند.
- ارائه رویکردی ارزشی و هنجاری به اقتصاد.

۲-۱ دیدگاه‌های مختلف در مورد مطالعه تاریخ اندیشه‌های اقتصادی

اساساً دیدگاه‌ها درباره مطالعات اندیشه‌های گذشتگان را می‌توان به دو دسته مخالف و موافق تقسیم کرد (دادگر، ۱۳۸۳: ۱۲):

• **دیدگاه مخالفان:** مخالفان بررسی اندیشه‌های گذشته از دو منظر به مخالفت پرداخته‌اند:

(الف) دیدگاه دیوید هیوم: او معتقد بود باید تمام نظریات و دیدگاه‌های گذشتگان را کنار گذاشت زیرا این نظریات تماماً منسوخ شده و اکنون فاقد هرگونه ارزش علمی است. لذا به جای مطالعه مجدد آن‌ها باید نظریات معاصر را بررسی کرد.

(ب) دیدگاه عدم لزوم مطالعه تاریخ عقاید: بر اساس این دیدگاه، افراد با مطالعه تاریخ عقاید بر علم مسلط می‌شوند، توانایی تحلیلشان بیشتر می‌شود، اما زمان، منبع بسیار مهم و کمیابی است. بر این اساس، با تکیه بر منطق تخصیص بهینه منابع و وجود موضوعات بسیار مهم در جوامع بشری و ضرورت بررسی آن‌ها در جهت تبیین و دستیابی به راه‌حل‌های بهینه اجتماعی و محدودیت این منابع، بررسی اندیشه گذشتگان تخصیص غیربهینه منابع محسوب می‌شود.

• **دیدگاه موافقان:** دلایل این دیدگاه را می‌توان در چند بخش تبیین کرد: نخست، برخی در مقام پاسخگویی به دیوید هیوم برآمدند، آن‌ها معتقدند او در مفهوم علم اشتباه کرده است. به اعتقاد هیوم علم مجموعه نظریات در کنار یکدیگر است درحالی‌که در علم نیازمند چهارچوبی به‌منظور تبیین و ارائه نظریات هستیم. به عبارت دیگر، علم مجموعه نظریات نیست که اگر چنین بود با نقض نظریات، علوم در طول زمان منسوخ می‌شدند. اساساً دیدگاه‌های علمی در چهارچوب و ساختار فکری خاصی قرار گرفته‌اند و به تبیین و توضیح جهان واقعی می‌پردازند. از این منظر، دانشمند مانند عکاس عمل می‌کند. عکاس از یک زاویه از واقعیت عکس گرفته است و آن عکس تمام آن واقعیت را منعکس نمی‌کند. نظریات علمی نیز متأثر از یک ساختار فکری معین، بخشی از واقعیت را بیان می‌کنند. هیچ‌گاه نظریات به‌طور منفرد و تکی متولد نمی‌شوند. بنابراین، برخلاف دیدگاه هیوم آنچه ابطال می‌شود نظریه است نه علم. علم متأثر از چهارچوبی نظری شکل می‌گیرد و نظریات در آن قالب‌ها به توصیف می‌پردازند.

تمام تلاش اقتصاددانان به‌ویژه در قرون اخیر این بوده است که متأثر از ساختار ذهنی مشخصی به تحلیل واقعیت‌های اقتصادی بپردازند، که نتیجه آن پدید آمدن الگوهای متفاوت در اقتصاد امروز است. ازجمله این الگوها، الگوهای کلاسیکی و کینزی است. آیا می‌توان ادعا کرد که الگوی کلاسیک از بین رفته است؟ پاسخ منفی است. الگوها در طول زمان تکامل می‌یابند.